

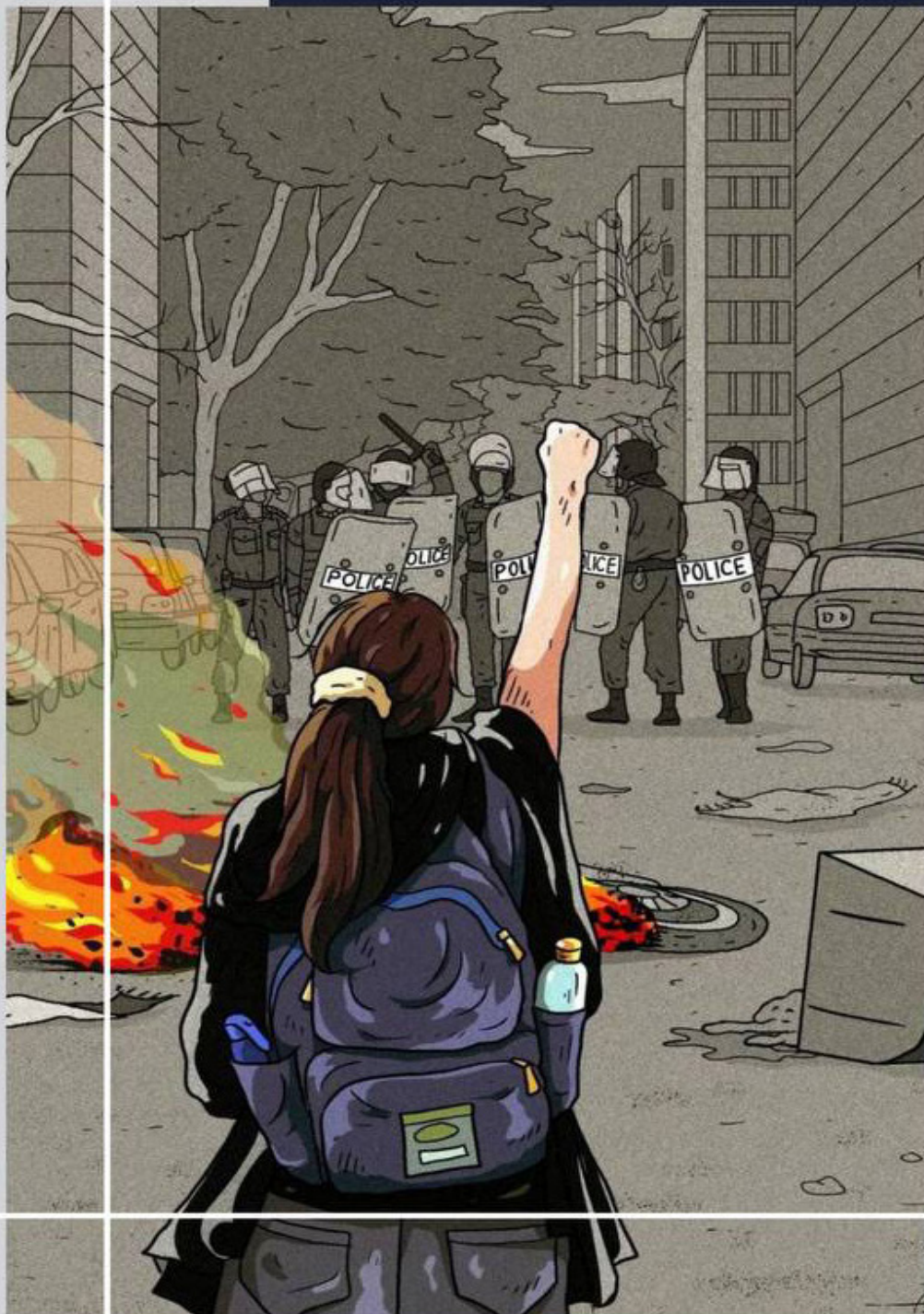


کارگران جهان متحد شوید!

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - شماره ۲۱۳ - دی ماه ۱۴۰۱



برای مبارزه سازمان یافته کارگران و زحمتکشان و برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری سیستم اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها در یک جبهه انقلابی متحد شویم.



گسترش اعتراضات و تداوم خیزش انقلابی پاسخی در خور به تشدید سرکوبگری و اعدام زندانیان سیاسی است

صفحه ۲

اپوزیسیون بورژوازی ایران شایسته هیچ اعتمادی نیست شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

صفحه ۴

گزارش اجلاس حضوری نمایندگان نیروهای شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

صفحه ۶

مداح کم داشتیم حالا دار و دسته عزیزان هم به آنها اضافه شدند!

صفحه ۷

اهمیت سازمان دهی و تشکیلات

صفحه ۸

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

گسترش اعتراضات و تداوم خیزش انقلابی پاسخی در خور به تشدید سرکوبگری واعدام زندانیان سیاسی است

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توده‌های رنج‌دیده و استثمار شده، به امر آگاهی و سازمانیابی جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش‌های اجتماعی مترقی و دموکراتیک یاری رسانند. بویژه وظیفه تعطیل‌ناپذیر کارگران سرتاسر ایران، بویژه کارگران پیشرو است که در برابر احکام جنایتکارانه بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی و دستگیری و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی به اعتراض برخیزند.

مقابله با نظام حاکم و دستگاه سرکوبگر آن، گردآمدن گردان‌های کار و زحمت در یک جبهه انقلابی بمنظور گسترش مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم و استقرار ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها را به امری فوری و ضروری تبدیل کرده است. امروزه خواست‌ها و مطالبات اقتصادی و رفاهی طبقه کارگر وتوده‌های رنج‌دیده و زحمتکش مردم با مطالبات آزادی‌خواهانه و دموکراتیک درهم آمیخته است و شرکت گسترده و متحد در اعتراضات، اعتصابات، و تظاهرات و سایر اشکال مبارزه برعلیه ستم و استثمار و سرکوب و نیز آزادی کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی یک وظیفه تعطیل‌ناپذیر هر انسان آزادی‌خواه و انقلابی محسوب می‌کارگران و زحمتکشان

توده‌های رنج‌دیده و تحت ستم و استثمار

در شرایط حساسی قرارداریم. شکاف عمیق بین دو طبقه اجتماعی اصلی جامعه سرمایه دار و کارگر مدت‌ها است که گذار مسالمت آمیز از وضعیت مشقت بار کنونی را منتفی ساخته است. جنگ میان آزادی و استبداد و خودکامگی، و جنگ میان

جهنمی سرکوب ریخته اند تا بخیال خود هر جنبنده ای علیه دستگاه مافیای حاکم را سرجایش بنشانند. اما اکنون اوضاع دیگری درپیش روی است. بیش ازسه ماه است که خیزش انقلابی با پیشگامی زنان با همه افت خیزها و سرکوبگریهای بیرحمانه حاکمیت همچنان ادامه دارد. همزمان تعمیق بحران اقتصادی، تورم افسارگسیخته، افزایش بیکاری، بی مسکنی، فساد و تبعیض و نابرابری، توده های به جان آمده را با فشارهای اقتصادی و سیاسی و معضلات بیشماری مواجه ساخته است و برای کارگران و زحمتکشان راه چاره‌ای جز پیوستن به اعتراضات و اعتصابات گسترده و سرانجام اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه علیه مافیای قدرت و ثروت و کل نظام ارتجاعی حاکم باقی نگذاشته است. ترس و واهمه از چنین چشم اندازی است که رژیم جمهوری اسلامی را واداشته است تا کار جلاخان خود را رونقی دیگر بخشد. با این توهم که گویا باتشدید سرکوب می‌توانند خیزش انقلابی را خاموش و طبقه کارگر و توده های مردم را از شرکت در اعتراضات و دست زدن به اعتصابات برحذر دارند.

برای مقابله با سرکوبگری رژیم و برای تدارک پیروزی نهائی انقلاب باید به سازماندهی در محل کار و زیست و تلفیق کارعلنی و مخفی در مبارزات جاری و تدارک امکانات لازم برای اشکال مختلف مبارزه همت گماشت. درعین حال دشمنان داخلی و خارجی انقلاب را شناخت و شناساندن و توده های مردم را از دنباله روی از جریاناتی که قصد مصادره بمطوب مبارزات و جانفشانی توده‌های مردم را دارند، برحذر داشت. و ضروریست متحدا در داخل و خارج کشور به مبارزه و مقاومت ادامه دهیم.

نیروهای چپ انقلابی و جنبش‌های اجتماعی سوسیالیستی، آزادی‌خواه و مترقی می‌باید در اتحاد باهم و با طرح خواست‌ها و مطالبات

صبح شنبه ۱۷ دیماه در یکصد و چهاردهمین روز خیزش انقلابی دو جوان مبارز دیگر بنام‌های محمدمهدی کرمی و محمدحسینی توسط جلاخان رژیم جمهوری اسلامی به دار آویخته شدند و چند جوان مبارز زندانی دیگر به سلول‌های انفرادی منتقل شده‌اند که با خطر اعدام مواجه‌اند.

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی از آغاز اعتراضات گسترده؛ زن- زندگی- آزادی- با بسیج نیروهای سرکوب و دستگاه‌های انتظامی و امنیتی خود به هر جنایتی دست زد تا اعتراضات عمومی را متوقف و اوضاع را به حال عادی برگرداند. مافیای قدرت و ثروت حاکم در طی سه ماه صدها نفر از زنان و مردان معترض و دهها کودک را بی رحمانه به قتل رساندند. هزاران نفر را دستگیر و روانه شکنجه‌گاه‌ها کردند، اما نتوانستند خیزش ستمدیدگان را خاموش و توده‌های بجان آمده را مرعوب سازند. اکنون با اعدام جوانان انقلابی محبوس در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها، تنها شکست و درماندگی و وحشیگری خود را بنمایش می‌گذارند. اقدامات جنایتکاران‌های که به خشم و نفرت بیشتر مردم دامن زده و بی شک تداوم خیزش انقلابی و گسترش ابعاد مبارزه را در پی خواهد داشت. همچنان که شاهد هستیم، اعدام این دو جوان مبارز نیز نتوانست نیت پلید رژیم را برآورده سازد و توده های مردم در اقصی نقاط ایران و سایر کشورهای جهان به اعتراض برخواستند و در تظاهرات‌ها و اجتماعات خود اعلام کردند که با این اقدامات جنایتکارانه در زندان‌ها مرعوب نخواهند شد و به مبارزه تا سرنگونی انقلابی رژیم از پای نخواهند نشست.

رهبران نظام ضد مردمی حاکم بیش از چهل سال است که عمده ثروت اجتماعی و دسترنج توده‌های زحمتکش مردم را برای سرپا نگاه- داشتن جمهوری جهل و جنایت به کام دستگاه

پیام شادباش سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت آغاز سال ۲۰۲۳ میلادی

بدین وسیله آغاز سال جدید میلادی را به همه کارگران و زحمتکشان، سازندگان واقعی جامعه و تولیدکنندگان نعم مادی در سراسر جهان، هرآنجا که تحویل سال ۲۰۲۳ میلادی را جشن می‌گیرند، شادباش می‌گوئیم. خطاب ما به برپاکنندگان دار و درفش، جنگ و کشتار، ستم و استثمار و زور و سرکوب و فقر و نابرابری بر روی زمین نیست، بلکه خطاب ما انسان‌هایی است که با کار و زحمت خود در کار ساختن جهانی بهتراند و در پیکارند تا جهان موجود به جهانی عاری از ستم و استثمار، تبعیض و نابرابری، زور و سرکوب و جنگ و کشتار، تغییر یابد.

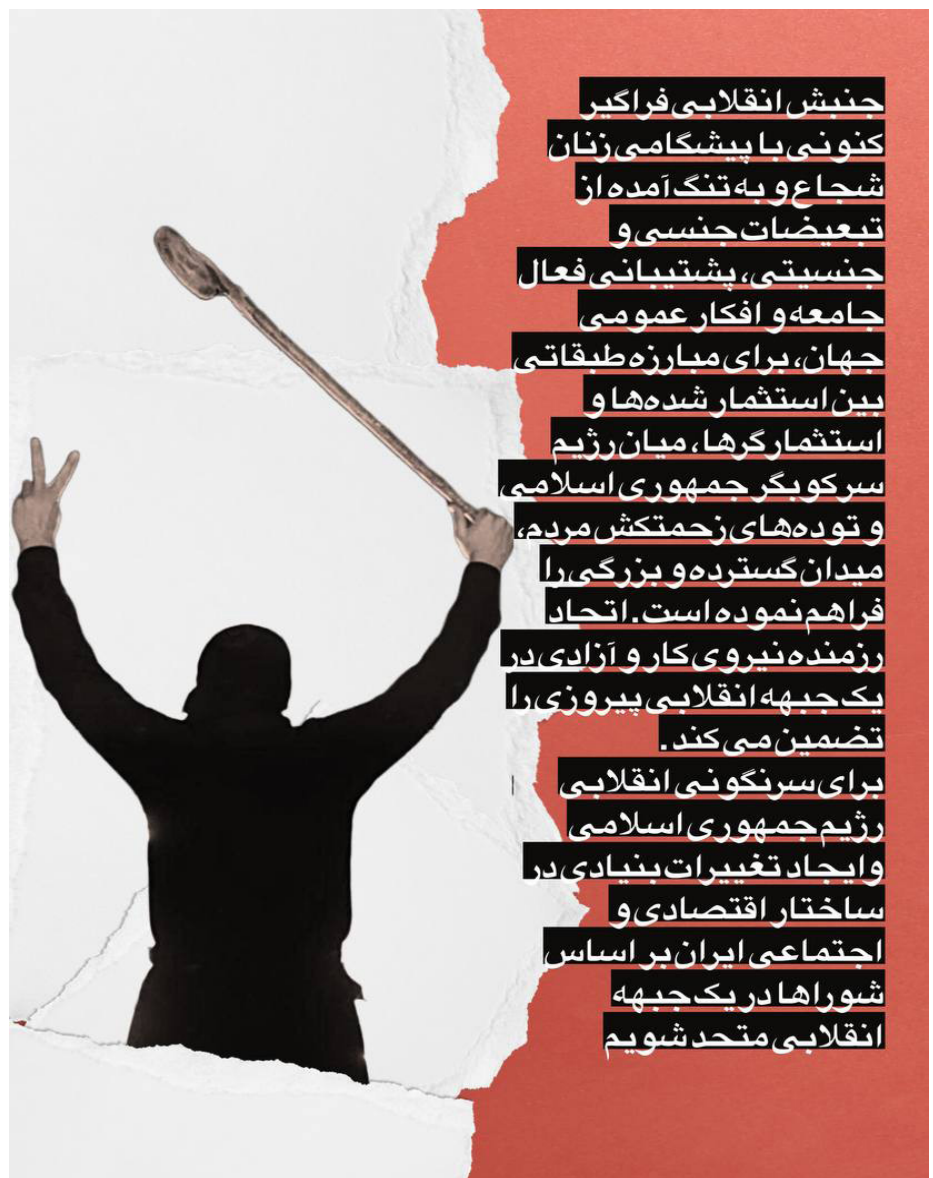
برای کارگران و زحمتکشان سراسر جهان وحدت و تشکیلات و پیروزی در سنگرهای مختلف مبارزه انقلابی علیه نظام سرمایه‌داری آرزومندیم.

سال نو بر شما مبارک

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۳۱ دسامبر ۲۰۲۳

احزاب و جریان‌های چپ و کمونیست باید ابتکار اتحاد جنبش‌های اجتماعی جاری در یک جبهه انقلابی را در دست بگیرند و نیروهای آزادشده در روند مبارزه را متحد کنند و با نیروی بیشتر و سازمانیافته‌تری با رژیم به مقابله پرداخته و آنرا به عقب برانند. در این صورت است که زمینه‌ها و امکانات فراتری برای رشد و گسترش و شکل‌گیری تشکل‌های توده‌ای و حزبی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میسر می‌گردد. اگر جریان‌های چپ و کمونیست نتوانند کنش توده‌های زحمتکش به پا خاسته مردم را متحد سازند، در آن صورت از حد فرقه‌های خیلی ورا دیگال‌گاما منزوی و بی‌تاثیر فراتر نخواهند رفت و بی‌تردید جای خالی آنها را آلترناتیو‌های دیگری که هیچ‌سختی با اهداف و منافع طبقه کارگر و توده‌های تحت ستم و استثمار ندارند، خواهند گرفت.



جنبش انقلابی فراگیر

کنونی با پیشگامی زنان

شجاع و به تنگ آمده از

تبعیضات جنسی و

جنسیتی، پشتیبانی فعال

جامعه و افکار عمومی

جهان، برای مبارزه طبقاتی

بین استثمار شده‌ها و

استثمارگرها، میان رژیم

سرکوبگر جمهوری اسلامی

و توده‌های زحمتکش مردم،

میدان گسترده و بزرگی را

فراهم نموده است. اتحاد

رزمنده نیروی کار و آزادی در

یک جبهه انقلابی پیروزی را

تضمین می‌کند.

برای سرنگونی انقلابی

رژیم جمهوری اسلامی

و ایجاد تغییرات بنیادی در

ساختار اقتصادی و

اجتماعی ایران بر اساس

شوراها در یک جبهه

انقلابی متحد شویم

اپوزسیون بورژوایی ایران شایسته هیچ اعتمادی نیست شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

کارگران و زحمتکشان

توده‌های رنج‌دیده و تحت ستم و استثمار

در شرایط حساسی قرار داریم. شکاف عمیق بین دو طبقه اجتماعی اصلی جامعه سرمایه دار و کارگر مدت‌ها است که گذار مسالمت آمیز از وضعیت مشقت بار کنونی را منتفی ساخته است. جنگ میان آزادی و استبداد و خودکامگی، و جنگ میان استثمارشدگان و ستم‌دیدگان با طبقه حاکم و قدرت سیاسی-مذهبی آن، مدت‌ها است که آغاز شده است. از دیماه ۹۶ تا شهریور ۱۴۰۱ و از شهریور ۱۴۰۱ تاکنون خیابان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها و مراکز کار و محلات، عرصه‌های مختلف نبرد زنان، جوانان، کارگران و زحمتکشان و تمامی انسان‌هایی بوده است که از ظلم و ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری به جان آمده‌اند. جنبشی که از بیست و شش شهریورماه با قتل حکومتی «ژینا امینی» جرقه خورد و تحت شعار زن - زندگی - آزادی شعله کشید، برغم سرکوب زندان شکنجه و کشتاری که حاکمیت ننگین سرمایه و ثروت براه انداخت، همچنان ادامه دارد. خیزشی مردمی که با شعارها و مطالبات اقتصادی و سیاسی روشن، خواهان سرنگونی انقلابی نظام حاکم و استقرار نظامی نوین و متکی به رای و اراده آزاد خودشان هستند.

در این میان، جریان‌های متعددی از جنس سلطنت طلبان گرفته - که در دوران حاکمیت سلطنت پهلوی از یک طرف با سرکوب نیروهای چپ و مترقی و کمونیست و از طرف دیگر با باز گذاشتن دست روحانیت در تبلیغ و ترویج خرافات مذهبی- عملاً یکی از مسببین اصلی سرکار آمدن رژیم خونخوار اسلامی بودند،

تا لیبرال‌هایی که دست بال خمینی را گرفتند و پست‌های وزارت و وکالت را عهده دار شدند و مرتجعین اصلاح طلب دیروزی که در سازماندهی ارگان‌های ضد مردمی رژیم ابتکار عمل را در دست داشتند و در قتل و کشتارهای دهه شصت و بستن دانشگاه‌ها، سرکوب تشکلهای کارگری و سازمان‌های سیاسی و مدنی دست از پا نمی‌شناختند، سرمایه‌داران و رانت خواران و دزدان رانده شده از حاکمیت و جمهوری خواهان رنگارنگ، و چپ‌های رفرمیست فرصت طلب و صدمبار توبه کرده که با شنیدن کلمه جنبش انقلابی روترش می‌کردند و طرفدار «رواداری» با دستگاه جهانی حاکم بودند. همه اینها امروز در پرتو خیزش انقلابی توده به جان آمده ردای انقلابی پوشیده و با پرچم دروغین دموکراسی خواهی به میدان آمده اند تا مردم را فریب داده و به دنبال خود بکشند. آنها با مرتجع ترین محافل و شخصیت‌های وابسته به انحصارات نظامی و امنیتی کشورهای امپریالیستی و دول مرتجع منطقه نشست و برخاست می‌کنند. خرده بورژواهای نه چندان ساده لوحی نظیر حامد اسماعیلیون و سیلبرتی‌های رنگارنگ را به جلو صحنه آورده اند تا از بالای سر مردم کارگر و زحمتکش، دولت و مجلس و رهبری تعیین کنند.

آنها در جریان خیزش انقلابی اخیر تلاش کردند تا شعارها و خواست‌های توده‌های مردم از جمله شعار زن_زندگی_آزادی را از محتوای واقعی‌اش تهی کنند و آنرا صرفاً به مخالفت با حجاب اجباری تقلیل دهند. سرنگونی جمهوری اسلامی را از محتوای اقتصادی و اجتماعی آن تهی کرده به شعار نفی ولایت فقیه و مرگ برخامنه ای تقلیل دهند .

آنها تلاش می‌کنند که تمام امکانات مادی و

معنوی کشورهای امپریالیستی و دول مرتجع

منطقه را در خدمت انحراف مسیر مبارزه

و تقلیل خواست‌های انقلابی توده‌های

زحمتکش مردم بکار گیرند تا از تکامل خیزش

انقلابی به انقلاب اجتماعی و به نفع اکثریت

جامعه، یعنی طبقه کارگر و انبوه زحمتکشان

و ستم‌دیدگان جلوگیری کرده و نظام منحط

سرمایه‌داری ایران را که به انباشت سرمایه زیر

سرنیزه عادت کرده و به فساد و رانت خواری

مشهور است، از زیر ضرب خارج کنند. آنها بار

دیگر و برای چندمین بار امتحان خود را پس

دادند و نشان دادند که نه آزادیخواه هستند

و نه عدالت طلب، بلکه به انباشت سرمایه

از طریق تشدید استثمار و شراکت در غارت

و چپاول دسترنج توده‌های مردم می‌اندیشند.

کارگران و زحمتکشان

دانشجویان جوانان و زنان پیشگام و مبارز

اپوزیسیون بورژوائی رژیم شایسته هیچ اعتمادی نیست، و هرگونه همراهی و همگامی و هم آوایی با این دستجات، آلوده شدن به پلشتی‌های آنها و ضدیت با اهداف و

ایران به یک تحول اساسی در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیازمند است که تنها از طریق یک انقلاب اجتماعی بر علیه سیادت سیاسی و اقتصادی اقلیت محدود جامعه ممکن و قابل تحقق است. اولین گام در این راه، سرنگونی جمهوری اسلامی، انهدام ماشین دولتی و دستگاه‌های مقتدر اداری و نظامی بورژوازی و برقراری نظامی فدراتیو و شوارئیست که در آن اکثریت مردم از فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف برای اولین بار به دخالت در زندگی خود می‌پردازند و برای ساختن آگاهانه جامعه‌ای که در آن از استثمار انسان بوسیله، از تبعیض جنسی و نژادی، از سرکوب، زندان و شکنجه، اعدام و ازبیکاری، بی مسکنی، فقر، از انهدام محیط زیست و ... خبری نباشد، اقدام می‌کنند. سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، واژگونی جمهوری اسلامی بمثابه برجسته‌ترین تکیه‌گاه نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران و سرسخت‌ترین دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی آن توسط یک جمهوری فدراتیو شورایی را وظیفه عاجل خود می‌داند.

خواست‌هایی است که هزاران نفر برای رسیدن به آن جانباخته‌اند، به زندان افتاده و شکنجه شده‌اند و میلیون‌ها نفر آواره گردیده‌اند.

نباید در دام فریبکاری‌های اپوزیسیون بورژوازی و ضد کارگری و دول امپریالیستی که برآند جنبش توده‌های مردم و فداکاری جوانان را وجه المصلحه منافع اقتصادی و سیاسی خود کنند، گرفتار شد. و از اتکاء به خود و تداوم مبارزه غافل ماند. بلکه افشا و طرد آنها ضامن انسجام و قدرت‌مند شدن جنبش طبقه کارگر و نیروهای راستین انقلابی است که رسالت و قدرت به ثمر رسانیدن انقلاب توده‌ها و تحقق خواست‌های آنان را دارند.

جنبش ما هرچند طولانی، سخت و با افت و خیزها توأم است اما شعله‌های آن خاموش شدنی نیست.

باید جنبشی سازمان داد که زمان و مکان را درنوردد، از فعالیت فردی به مبارزه سازمان‌یافته محلات از اعتصاب یک کارخانه به اعتصابات کارخانه‌ها و مراکز کارگری و اعتصاب عمومی ارتقاء یابد. در این راه سازماندهی و تشکل و تحزب و تدارک لازم و حفظ استقلال طبقاتی و تلفیق کارعلنی و مخفی در مبارزه از اهمیت انکارناپذیری برخوردار است.

طبقه کارگر و تمام ستم‌دیدگان و نیروی کار و زحمت تنها با سرنگونی انقلابی رژیم سرمای‌داری ایران، لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، سرکوب مقاومت بورژوازی و اعمال قدرت از طریق شوراها است که می‌توانند به قدر قدرتی و ستم و استثمار و زور و سرکوب و تمامی تبعیضات موجود پایان دهند و آزادی و اقتدار و حق تعیین سرنوشت را به مردم بازگردانند. هرچند این مبارزه طولانی و راه پرفراز و نشیب باشد اما تاریخ راهی جز این برای رهائی نیروی کار و زحمت نمی‌شناسد.

سوسیالیسم یا بربریت!

این است شعار طبقه کارگر و متحدین زحمتکش آن که اکثریت جامعه را در مقابل اقلیتی ناچیز اما صاحب قدرت و ثروت تشکیل می‌دهند.

رسوا و طرد باد عوام فریبان و سازشکاران

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۲۵ دیماه ۱۴۰۱

امضا: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

گزارش اجلاس حضوری نمایندگان نیروهای شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

اجلاس حضوری نمایندگان نیروهای "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" در روزهای شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ آذر ماه ۱۴۰۱ برابر با ۲۶ و ۲۷ نوامبر ۲۰۲۲ در شهر کلن آلمان برگزار گردید. اجلاس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان خیزش انقلابی اخیر و دو رفیق فعال شورای همکاری زنده یادان سعید سهرابی و مسعود دقیقی اصل که در فاصله دو اجلاس حضوری شورا جانباخته بودند، شروع بکار کرد و بدنبال وارد بحث حول دستور جلساتی شد که از قبل روی آن توافق به عمل آمده بود.

اولین دستور این اجلاس ارزیابی از فعالیت‌های دور گذشته و به‌ویژه در دوره خیزش انقلابی اخیر بود. سؤال این بود که "شورای همکاری" در اوضاع کنونی کجا ایستاده است؟ کاستی‌ها و فرصت‌ها به‌طور مشخص کدامند؟

در پاسخ به این سؤالات همه نیروهای "شورای همکاری" بر این باور بودند که فعالیت‌های نیروهای چپ و کمونیست در کل و همکاری شش نیروی شورا، اگرچه بهبودهای داشته و فعالیت‌های مثبتی از قبیل به راه انداختن کانال مشترک تلویزیونی، حضور چشمگیرتر تبلیغاتی و... صورت گرفته است، اما در کل این همکاری‌ها از نبض جنبش و خیزش انقلابی اخیر عقب است و هنوز شورا نتوانسته از همه پتانسیل نیروهای خود بهره برده و به گسترش فراتر از جمع کنونی که از ملزومات پیشرویی‌های قطب چپ جامعه است نائل آید. این کمبود و کاستی هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی در شرایطی که بیش از هفتاد روز از خیزش انقلابی مردم در ایران می‌گذرد و در شرایطی که خصلت فحاشی بسیاری از اعتراضات درون جامعه مهر چپ و رادیکال بر خود دارد ضعفی غیرقابل انکار است. همچنین در شرایطی که بدیل سازی‌های جریان‌هاست در خارج کشور که موج‌سواری کرده و می‌خواهند ترمز انقلاب را بکشند، تعهدات "شورای همکاری" را به‌عنوان بخشی از نیروهای چپ و کمونیست جامعه از همیشه بیشتر می‌سازد.

در رابطه با امر گسترش و فعالیت‌های میدانی و عملی، چه در رابطه با همبستگی و حمایت از شوراها، نهادها و کمیته‌های فعال در جنبش انقلابی در داخل کشور و چه در رابطه با شوراها و نهادهای حمایت از جنبش انقلابی در خارج کشور، بحث‌های مفصلی

صورت گرفت و برای هرکدام از این دو بخش "شورای همکاری" سیاست خود را در دو سند به تصویب رساند.

در جمع‌بندی این بخش توافق روی این مسئله بود که باید به‌طور جدی فرصت‌ها را بیشتر دریافت و برای ارتقا آن فعالیت کرد و ضعف‌ها را در حد امکانات و توان برطرف کرد و این امر به‌جز با گسترش فعالیت میدانی، تخصیص نیرو و امکانات و اولویت دادن بیشتر به فعالیت و همکاری جمعی و برقراری دیالوگی رفیقانه برای همکاری مشترک و گسترده‌تر با دیگر نیروهای چپ و کمونیست، شوراها و نهادها و انسان‌های منفرد و مستقل ممکن نیست.

در همین رابطه تصمیم گرفته شد در گام اول، تعدادی از نیروهای چپ و کمونیست که با چارچوب بیانیه استکھلم توافق دارند، دعوت به همکاری شود. در ادامه از طریق دیالوگ‌های رفیقانه با استفاده از مکانیسم سمینارهای عمومی علنی و میزگردهای تلویزیونی، نزدیکی و همکاری با دیگر نیروهای چپ و کمونیست ادامه داده شود.

در ارتباط با نهادها، محافل و فعالین مستقل چپ و کمونیست، علاوه بر استفاده از سازوکارهای مورد اشاره در بالا، تأکید شد در هماهنگی با آن‌ها راهکارهای عملی و تدابیر مشترکی دیده شود.

بر بستر بحث ارزیابی، جدا از توافق روی قرارهایی در دفاع و همراهی با تشکیلات‌های محلی در داخل و خارج کشور، تقویت بخشی از عرصه‌ها برای گسترش و دخالتگری فعالانه‌تر به‌عنوان دومین دستور جلسه اجلاس بود که در چند بخش جداگانه پیش رفت و در هر مورد تصمیماتی اتخاذ گردید که به تفکیک به آن‌ها اشاره می‌شود:

- شبکه‌های اجتماعی: هر چند شورای همکاری فعالیت‌های مشخصی را در بعضی از پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی از قبیل "اینستاگرام"، "تلگرام"، "فیس‌بوک" و "کلاب‌هاوس" دارد، اما هنوز کار در این عرصه مهم یعنی شبکه‌های اجتماعی رضایت‌بخش نیست. قرار بر این شد که با اختصاص نیروی بیشتر و پوشش دادن اخبار و گزارشانی که نه فقط کارهای شورا، بلکه فعالیت مجموعه‌ای از نهادها و تشکلهای افرادی که با اهداف شورای همکاری همسویی دارند پوشش دهد و این عرصه از کار را فعال‌تر و گسترده‌تر کند.

- تلویزیون آلترناتیو شورایی: چهار نیرو از شش نیروی "شورای همکاری" کانالی ۲۴ ساعته را در اختیاردارند.

این کانال اگرچه تریبون نیروهایی از "شورای همکاری" است، اما هنوز این به معنای یک تلویزیون مشترک همه نیروهای شورا نیست. در این اجلاس بار دیگر پروژه یک برنامه مشترک تلویزیونی تحت نام "آلترناتیو شورایی" بررسی و تصویب شد و کمیسیونی با شرکت یک نماینده از هر نیرو برای تدارک و پیشبرد این پروژه تعیین گردید.

دستور جلسه آخر این اجلاس بررسی و بروز کردن نکات ساختاری و آیین‌نامه درونی همکاری این نیروها در راستای سرعت بخشیدن به کارها و تصمیمات، نحوه هماهنگی درونی و... بود. این تغییرات با توجه به شناخت و آشنایی بیشتر نیروها از همدیگر و اعتمادی که حاصل چند سال کار مشترک بود صورت گرفت.

ارزیابی شرکت‌کنندگان از اجلاس حضوری که محدودیت‌های دوره کرونایی آن را به تعویق انداخته بود، مثبت و راهکارهای پیشنهادی در هر یک از موارد نویدگر احساس مسئولیت و تلاشی مؤثرتر بود برای پاسخ به تعهدات و وظایفی که در این شرایط خطیر به عهده ماست.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

زنده‌باد آزادی! زنده‌باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروهای چپ و

کمونیست

۱۱ آذر ۱۴۰۱ - ۲ دسامبر ۲۰۲۲

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان

کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب

کمونیست کارگری ایران-حکمتیست،

سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان

(اقلیت) و هسته اقلیت

مداح کم داشتیم حالا دار و دسته عزیزاده هم به آنها اضافه شدند!!

طناز مددقلی زاده

ضرب المثلثی است که می‌گویند "وقتی اب سربالائی برود قورباغه ابوعطا می‌خواند" در حالی که زنان، جوانان و اقشار مختلف مردم زحمتکش و بجان آمده از ظلم و ستم و تبعیض و نابرابری بیش از سه ماه است که در برابر مزدوران مسلح رژیم که وحشیانه به آنها حمله می‌کنند و به کودک و بزرگ رحم نمی‌کنند ایستادگی می‌کنند و جوانان دختر و پسر با رشادت و از خود گذشتگی امید پیروزی بر اهریمن ارتجاع و خودکامگی را در دل هرانسانی که بوئی از انسانیت برده است، روشن کرده است. عده ای روشن فکرها امثال... عزیزاده... که گویا هنوز از سیاست شکوفائی خط امام درس نگرفته‌اند راه افتاده اند و اینجا و آنجا از جمله اخیرا در تلویزیون رسمی جمهوری اسلامی به منبر می‌روند تا بامداحی علی خامنه‌ای ثابت کنند که سید علی و دارو دسته‌اش در راس مافیای قدرت و ثروت که دمار از روزگار مردم درآورده‌اند، نه تنها گناهی مرتکب نشده‌اند بلکه در این چهل سال ایران را به شاه‌راه ترقی و توسعه و استقلال و آزادی پیش برده‌اند!! آمریکارا از منطقه بیرون کرده‌اند، ایران را به یک قدرت جهانی تبدیل کرده‌اند! سید علی و قاسم سلیمانی ایرانی ساخته‌اند که مورد رشک غرب است. و نتیجه می‌گیرند که همانطور که سید علی گفته "آنها از اقتدار ایران می‌ترسند" و دست آخر همه این «اغتشاشات» زیر سر امریکا و انگلیس است و حیف که این جوانان فریب رسانه‌های غربی را می‌خورند و... تکرار همان داستانی که هر روزه شکنجه‌گران و جلادان در زندان‌ها و درپای چوبه‌های دار برگوش جوانان انقلابی می‌خوانند و شرم آوراست برای مدعیان دروغینی که از یک طرف دم از استقلال و آزادی می‌زنند از سوی دیگر در این نمایش فجیع قتل و شکنجه و اعدام جوانان مبارز ایستاده و کف می‌زنند و مدح و ثنای جنایتکارانی نظیرخامنه‌ای را می‌گویند.

از شاهزاده شیرین زبان

از «شاهزاده» شیرین زبان ما در مصاحبه اخیراش با تلویزیون من و تو که با اقبال طرفداران‌اش مواجه شده است می‌شنویم که: اگر ایران یکپارچه را قبول دارید که هیچ! اگر ندارید یعنی می‌خواهید ایران تکه تکه شود!

به این شاهزاده خیلی وطن «پرست» باید گفت که آخر وطنی که در آن، چه هنگام فرمان‌فرمائی شاه و چه فرمان‌فرمائی نایب آمام زمان، برای ساکنین‌اش جز تشدید استثمار و بی حقوقی، اعمال ستم‌های رنگارنگ ملی، جنسی، مذهبی و تخریب محیط زیست، جنگ و آوارگی، بیکاری و فقر و نداری و سرکوب و زندان و شکنجه و کشتار در خیابان و اعدام در زندان‌ها و هزاران ناهنجاری دیگر برای اکثریت مردم و ثروت بیکران برای اقلیتی صاحب قدرت و ثروت ثمره دیگری در بر نداشته است به فرض چند پارچه شدن آن چه فرقی به حال این اکثریت همیشه محروم دارد؟! -

تاریخ مبارزات صد ساله اخیر در ایران، مبین این واقعیت انکار ناپذیر است که هرگاه مردم زحمتکش ایران بپا خواسته‌اند تا کاخ ستم و استبداد را در هم کوبند، در این میان به محض اینکه ملتی خواسته از دست آورد مبارزاتی خود استفاده کرده و در تعیین سرنوشت خود دخالت داشته باشد، تحت عنوان «خطر تجزیه طلبی» مورد حمله قرار گرفته و از همانجا ریشه باز گشت استبداد، سرکوب و تداوم آن در سراسر کشورکاشته شده است. می‌شود گفت که ریشه‌های تاریخی استبداد و ارتجاع در ایران در همین اسارت خلق‌هاست و طبقه کارگر هم برای اینکه گریبان خویش را از مساله ملیت‌ها رها سازد ناچار است از مبارزه برای رفع ستم ملی به نفع آزادی خویش استفاده کند. از همین روست که در برنامه مصوب کنگره دوم سازمان ما که اساسا با بررسی اوضاع اقتصادی، اجتماعی و تاریخی ملل مختلف و روند مبارزه طبقاتی در ایران تهیه و تدوین شده است، مسئله رفع ستم ملی و حق تعیین سرنوشت ملل تا جدائی کامل از مکان برجسته‌ای برخوردار است.

کار کمونیستی

اهمیت سازمان دهی و تشکیلات

نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و در الویت
قرار خواهد داد که مستقیماً برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.
از طریق ایمیل ادرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود
را با در میان بگذارید .

kar@fedayi.org

**تماس با سازمان اتحاد
فدایان کمونیست**

.....
روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

لنین می نویسد: هر چقدر هم با حزب اختلاف پیدا کردی، از حزب خارج نشو! در حزب بمان، سعی کن رشد کنی و بتدریج قوانین درون حزبی را تغییر بده...
این خود نشان دهنده اهمیت تشکیلات است. انجام هر فعالیت کوچک یا بزرگی در عرصه سیاسی ملزم به کار تشکیلاتی و سازمان دهی شده است. تشکیلات، همچون چراغ راهی است که طول مسیر را روشن میکند تا بتوان راحت تر در آن گام برداشت. واژه ی مستقل به واسطه تبلیغات وسیعی که از جانب بورژوازی انجام شده شاید امروز صفتی خوش لفظ و دهان پر کن باشد، اما در عمل تنها منجر به سکون افراد می شود. این به اصطلاح استقلال نه برای اهمیت دادن به تفاوت های افراد بلکه برای کاستن از قدرت اتحاد مردم مطرح می شود. مستقل بودن تنها موجبات ضربه خوردن های سنگین را فراهم می سازد. انقلاب جاری ایران را در نظر بگیرید، بدلیل فراگیر نشدن کار تشکیلاتی-سازمانی، بسیاری از افرادی که در حال مبارزه اند مجبورند در چند جبهه بجنگند! وقتی سازمان یابی در کار نباشد، فرد انقلابی مجبور است به تنهایی، شعارنویسی کند، در اینترنت هشتگ بزند، شب نامه بنویسد، شب نامه را پخش کند، در تظاهرات شرکت کند، در مبارزات کف خیابان حضور داشته باشد، وظیفه ی عکسبرداری و فیلمبرداری را به دوش بکشد، با دیگران بحث کند، شناسایی کند و تحلیل ارائه دهد!

پُر واضح است انجام موازی و همزمان چنین فعالیت هایی نه تنها کیفیت کار را تا حد زیادی کاهش می دهد بلکه احتمال دستگیری را نیز به شدت می افزایش دهد! ضمن آنکه باید در نظر داشت در میان توده های مردم کسانی که اینچنین به فعالیت های مختلف دست بزنند کم است و این نیز ایراد دیگری در عدم سازمان یابی است. هر کس تنها به فعالیتی محدود مشغول است و گمان می کند دیگر وظیفه انقلابی اش را تمام و کمال انجام داده! عدم آموزش دیدن، بی تجربگی، عملیات بدون فرماندهی، نبود نیروهای پشتیبان، ضعف تئوریک، بی برنامه گی، نداشتن پلن برای هر خطر احتمالی و نیز ساده انگاری شرایط که ناشی از عدم سازمان یابی و نبود تشکیلات است منجر به اقدامات هیجانی با ریسک بالا، فعالیت های محدود با بازدهی پایین و نیز بالارفتن تلفات (دستگیرشدگان، مجروحین و جانباختگان) خواهد شد. تشکیلات اما وظیفه ی هر فرد را به طور تمام و کمال مشخص می کند، تازه آن هم نه بر اساس علاقه صرف فرد، بلکه با آنالیز و در نظر گرفتن توانایی های گوناگون. کار تشکیلاتی مخالف سرسخت اقدامات سرخود است، چرا که تجربه ثابت کرده تنها نیرو و فشاری که از طریق جمعیت بالا و آن هم برنامه ریزی شده و علمی پیش برود می تواند منجر به ضربه زدن و در نهایت سقوط یک رژیم دیکتاتوری شود. حالا که داشتن سندیکا، حق تجمع قانونی، برخورداری از حق اعتصاب، ایجاد تشکل کارگری و تشکیل هر هسته ای ممنوع است، باید دانست که رژیم تنها از کار تشکیلاتی و سازمان دهی شده می هراسد. سرکوب کردن معترضینی که هریک به تنهایی در حال مبارزه با رژیم خونخوار اند به مراتب کار سهل تری است تا برخورد با گروه های عظیمی که با برنامه ریزی و هدفمند مبارزه می کنند، آموزش دیده اند، از پشتیبانی سازمانی برخوردارند و بدلیل برخورداری از دانش تئوریک به راحتی فریب تاکتیک های رژیم برای به انحراف کشیدن انقلاب را نمی خورند! در تشکیلات برای کوچک ترین اقدام عملی، استراتژی مناسب وجود دارد و برای پیدا کردن استراتژی مناسب نمی توان تنها به یک نفر اتکا کرد، تنها سازمان و سازمان یابی است که این امکان را فراهم می سازد. به قول ابوالقاسم لاهوتی:

بایست مطیع شد به تشکیلات / تا وصله کند به یکدگر ما را

چون جمع شویم، هیچ بازویی / از هم نکند جدا، دگر ما را

« ستاره سرخ »

کار مسکن آزادی، جمهوری فدراتیو شورائی!